



# نواندیشی دینی نباید نمادهای دین را تنها با عقل بسنجد

گفتگو با هادی طباطبایی، نویسنده کتاب  
«تباکی»<sup>۱</sup>

---

۱. گفتگو از سعید دهقانی، روزنامه نگار حوزه دین، از شیراز.



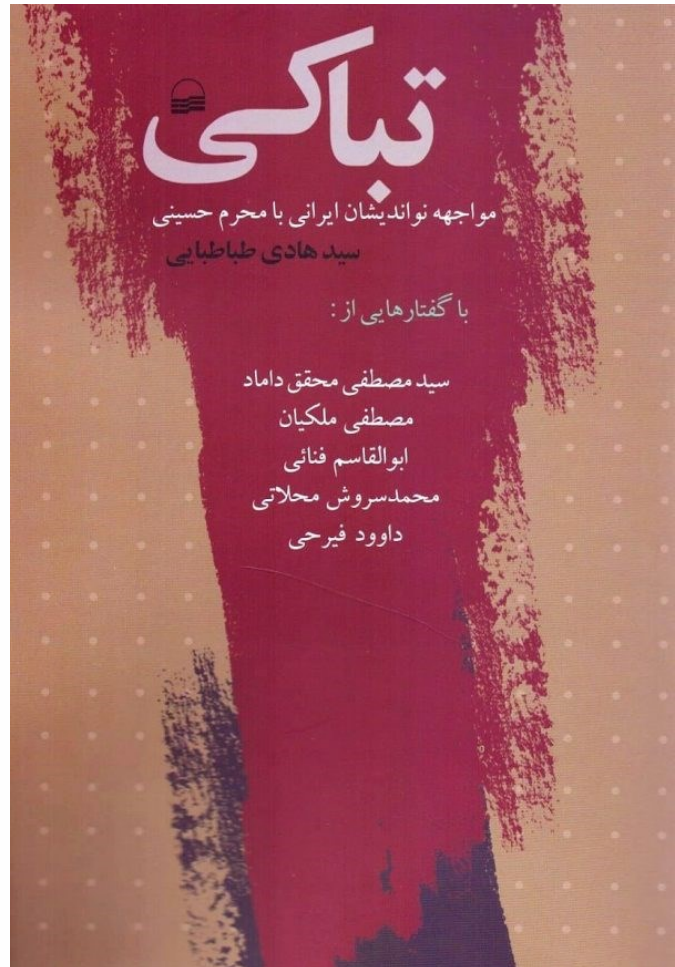
## سابقاً در بیوت مراجعی که مجلس روزه برگزار می‌شد، بادبزن‌های دستی هم می‌گذاشتند.

**سعید دهقانی:** اگر ممکن است در این خصوص بیشتر توضیح دهید؛ چه تفاوتی در این روزه‌خوانی‌های بیوت مراجع دیده می‌شود؟

**هادی طباطبایی:** تفاوت عمده و مبنایی - البته - نیست، اما می‌توان گزارشی از این عزاداری‌ها در بیوت مراجع ارائه داد. بیوت مراجع در قم معمولاً دهه اول را به برگزاری مراسم می‌پردازند. برخی به برگزاری این مراسم در صبح‌هنگام راغب‌اند؛ به‌عنوان نمونه، آیت‌الله جعفر سبحانی که ساعت هفت صبح مراسم عزاداری و روزه در بیت ایشان برگزار می‌شد. حضرات صافی گلپایگانی، سید صادق شیرازی، شیخ محمد یعقوبی، سید موسی شبیری زنجانی هم مراسم خود را پیش از اذان ظهر برگزار می‌کنند. بیت آیت‌الله شیرازی، مراسمی هم در هنگامه عصر به زبان عربی برگزار می‌کند. بیت آیت‌الله بیات زنجانی هم در هنگام عصر محفل عزا دارد. محافل برخی دیگر از مراجع از جمله حضرات جوادی آملی و گرامی قمی، پس از نماز مغرب و عشا برگزار می‌شود. در این محافل معمولاً شخص مرجع بر روی صندلی در ورودی مجلس نشسته است. چند صندلی هم در کنار وی قرار داده شده تا میهمانان مقرب نزد ایشان بنشینند. در بیت آیت‌الله صادق شیرازی خبری از صندلی نیست. ایشان و میهمانان بر روی زمین می‌نشینند.

افراد حاضر در مجلس می‌توانند شخص مرجع تقلید حاضر در مجلس را مشاهده کنند. در بیت مرحوم آیت‌الله صانعی، افراد به محض ورود، ابتدا گوشه‌ای از مجلس را می‌دیدند که آیت‌الله بر صندلی نشسته بود. نکته‌ای دیگر که توجه تازه‌واردان به بیت آیت‌الله صانعی را به خود جلب می‌کرد، پنکه سقفی بود که بعد از حمله برخی افراد به بیت ایشان به حالت شکسته و آویزان درآمده بود. در بیت آیت‌الله گرامی، اغلب عزاداران پس از انجام مراسم هم می‌نشینند تا آیت‌الله برای شان استخاره‌ای بگیرد. آیت‌الله گرامی به داشتن قدرت استخاره شهره بود.

سخنرانی‌های دهه اول محرم در محافل هر کدام از مراجع تقلید هم متفاوت است. در بیت آیت‌الله گرامی قمی، مداح مقید است که روزه خود را در قالب شعر بیان کند. می‌گویند که آیت‌الله گرامی رغبت بیشتری به شعر دارند. سخنران محفل آیت‌الله بیات زنجانی ملتزم است منابع سخن خود را هم بیان کند؛ گویی شیوه‌ای آکادمیک در این بیت شریف جاری است.



نخوانند. همین بود که روحانیان و روزه‌خوانان شهر وقتی در مجلسی حاضر می‌شدند، از مردم می‌خواستند آرام‌گریه کنند، مبادا صدا به گوش بیگانه‌ای برسد و خبر به عوامل حکومتی ببرند. اما این سختگیری‌ها در زمان حاکمیت جمهوری اسلامی از میان رفت. البته با تمام سبک‌های عزاداری هم موافقت نشد. برخی از این مناسک عاشورایی با محدودیت‌هایی انجام می‌شود، اما تأکید عمده علما و مراجع، بر محافل روزه‌خوانی است. به نظر این سبک از عزاداری می‌تواند نقطه وحدت و اشتراک میان تمام نسخ‌های مختلف دیندار باشد. در قم هم بیوت مراجع، غالباً همین سبک روزه‌ها را برپا می‌کنند. البته مراسم روزه در بیوت مراجع هم هر کدام با گرایش‌های خاص خود برگزار می‌شود.



در محافل دهه اول محرم معمولاً با چای از میهمانان پذیرایی می‌شود. گفته می‌شود که سابقاً در بیوتی که روضه برگزار می‌شد، در مجلس بادبزن‌های دستی هم می‌گذاشتند. در کربلا هم این بادبزن‌ها وجود داشته است.

برخی بیوت مانند بیت آیت‌الله مرعشی نجفی و یا بیت آیت‌الله گرامی قمی، خرما یا کیک هم به میهمانان می‌دهند. در برخی بیوت دیگر، مانند بیت آیت‌الله بیات زنجانی، بسته‌های کیک و آبمیوه هم به حاضران داده می‌شود. بیوت برخی از مراجع، در پایان محفل عزاء، رساله‌های عملیه و یا آخرین اثر منتشر شده از آیت‌الله را هم به حاضران اهدا می‌کنند.

اغلب بیوت مراجع، تاسوعا و عاشورا غذای نذری هم دارند. یکی از شلوغ‌ترین محافل برای دریافت غذای ظهر عاشورا، بیت آیت‌الله وحید خراسانی است.

برخی از مراجع، خود نیز در روز عاشورا به منبر می‌روند. برخی همانند آیت‌الله وحید خراسانی و سید صادق شیرازی، پیش از شروع ماه عزاء برای مبلغان سخنرانی می‌کنند. آیت‌الله وحید البته به دلیل کهولت سن چند سالی است که منبر نمی‌روند. آیت‌الله بیات زنجانی عصر عاشورا سخنرانی می‌کند. ایشان هم پس از ایام کرونا دیگر در روز عاشورا به منبر نرفته است. شیخ فاضل المالکی عصر عاشورا مقتل می‌خواند. سید صادق شیرازی شام غریبان به منبر می‌رود.

مراجع عظام در هنگام عزاداری دست به روی صورت گذاشته و آهسته اشک می‌ریزند، اما استثناهایی نیز وجود دارد؛ آیت‌الله سید محمد یثربی بعضاً در هنگام عزاداری بی‌تابی می‌کند. مرحوم صانعی بلندبلند می‌گریست، گاهی فریاد می‌زد، و گاه به مداح می‌گفت چه بخواند و کدام بیت را دوباره بخواند. حتی در برخی موارد مداح ساکت می‌شد و آیت‌الله صانعی خود ادامه روضه را از گوشه مجلس با صدای بلند می‌خواند.

برخی مراجع در هنگامه عاشورا عمامه از سر برمی‌دارند. مرحوم صانعی اینگونه بود. وی گاهی سینه‌زنان به میان جمع عزاداران می‌آمد و سینه می‌زد. آیت‌الله صادق شیرازی هم در شام عاشورا با پای برهنه به منبر می‌رود.

سخنران‌های بیوت در انتهای جلسه برای سلامتی آیت‌الله هم دعا می‌کنند. مجالس ده شب عزاکه به اتمام می‌رسد، معمولاً یکی از کتاب‌های نگاشته شده توسط آیت‌الله را به مداح یا

## سروش محلاتی استبداد دینی را در واقعه عاشورا ردیابی کرده است.

سخنران هدیه می‌دهند. بعضاً در میان این کتاب پاکتی قرار دارد که مبلغی پول در آن گذاشته شده است.

**سعید دهقانی:** شما کتاب *تباهی* را در خصوص آراء نواندیشان در ماجرای عاشورا نگاشته‌اید. اگر از شما بخواهم خامه فکری اندیشمندانی را بیان کنید که در این کتاب از آنها نام برده‌اید، چه پاسخی به خوانندگان ناآشنا با این کتاب می‌دهید؟

**هادی طباطبایی:** در این کتاب به بررسی آراء هشت متفکر و پژوهشگر معاصر ایرانی در مواجهه با واقعه عاشورا و مناسک محرم پرداخته‌ام. این افراد عموماً در جرگه نواندیشان هستند؛ به این معنا که رویکردی سنتی به دین ندارند. دغدغه‌های جهان جدید و انسان معاصر هم برای آنها محوریت دارد. حال شاید نتوان همه آنها را در جرگه نواندیشان دینی قرار داد، اما می‌توان اطلاق نواندیش ایرانی بر آنها کرد. مثلاً آقای ملکیان خودش را نواندیش دینی نمی‌داند، اما سایر افرادی که در این کتاب در خصوص آراء آنها بحث شده، به نحوی در ذیل نواندیشی دینی یا نواندیشی حوزوی قرار می‌گیرند. سابقاً البته کتاب‌هایی در خصوص آراء نواندیشان در مواجهه با عاشورا نگاشته شده بود، اما عموماً به نواندیشان پیش از انقلاب اختصاص یافته بود؛ مثلاً از رویکرد مرحوم شریعتی و مطهری و صالحی نجف‌آبادی سخن گفته بودند. اما در کتاب *تباهی* کوشیدم آراء نواندیشان متأخر را به بحث بگذارم؛ مشخصاً آراء مصطفی محقق داماد، عبدالکریم سروش، مصطفی ملکیان، ابوالقاسم فنایی، محمد سروش محلاتی، داود فیروزی، آرش نراقی و سروش دباغ در این کتاب مورد بحث قرار گرفته است. عمده تأملات این افراد نیز بر محور عقلانیت در عاشورا است؛ یعنی می‌کوشند مواجهه‌ای عقلانی با اصل واقعه عاشورا و سپس مناسک محرم داشته باشند. اجماً عرض می‌کنم که آقای محقق داماد به ماجرای جهل مقدس در عاشورا توجه می‌کنند. عبدالکریم سروش نقدهایی به برخی رویکردهای سنتی دارد. ایشان همچنین در

خصوص دعای عرفه و زیارت عاشورا تأملاتی را بیان می‌کند. وی همچنین برخی برداشت‌های سنتی که مقدمه خشونت‌ورزی و بعضاً انتقامجویی است را مورد نقد قرار می‌دهد. آقای ملکیان می‌کوشد امام حسین را در قالب قدیس اخلاقی معرفی کند. ابوالقاسم فنایی از اخلاق فرادینی نزد امام حسین سراغ می‌گیرد. محمد سروش محلاتی در خصوص فقه عاشورا سخنانی تأمل‌برانگیز دارد. ایشان همچنین استبداد دینی را در واقعه عاشورا ردیابی کرده و خطرات آن را در دنیای معاصر نشان می‌دهد. دکتر فیرحی با رویکرد سیاسی - که داشت -، برخی نشانه‌ها در زمان امام حسین را برجسته کرده و تذکر می‌دهد که آن نشانه‌هایی که به عاشورا انجامید، ممکن است در زمانه حاضر نیز وجود داشته باشد. ایشان از لابلای مباحث امام

## مناسک نمادین ارزش واقعی هم می‌توانند داشته باشند.

حسین، نقدهایی نیز به روحانیت دارد. آرش نراقی بحث جالب و مبسوطی در خصوص آیین قربانی دارد. ایشان همچنین مفهوم شهادت را در دنیای معاصر مورد بازنگری قرار داده و راه جدیدی را نشان می‌دهد. سروش دباغ نیز به مفاهیم اخلاقی و اگزیستانسیال در واقعه عاشورا می‌پردازد. در مجموع مباحثی که این نواندیشان مطرح کرده‌اند، می‌تواند مواجهه دینداران امروز را با واقعه عاشورا به نحو معقولی ترسیم کند.

**سعید دهقانی:** تاریخ حاکی از آن است که بخشی از مناسک کنونی محرم ریشه در دیگر ادیان دارد؛ مثلاً همین علم که بر دوش می‌نهند بسیار شبیه به صلیب است و گویا از سیسیل ایتالیا به عثمانی و پس از آن در دوره صفویه، به ایران وارد شده است. با شیعه شدن ایران، این نمادها بومی شد و در دوره قاجار کاملاً رنگ و بوی ایرانی به خود گرفت. انبوهی از نمادهای دینی چنین سیر تحولی داشته‌اند. شما نقش این نمادها را چگونه می‌بینید؟

**هادی طباطبایی:** در خصوص اینگونه نمادها سخنان بسیاری گفته شده است. برخی هم با انتساب این نمادها به ادیان و

مذاهب دیگر، آن را امری ناممدوح دانسته‌اند. در رأی نواندیشان هم البته برخی از این انتقادهای دیده می‌شود. اما اجازه بدهید از منظری دیگر هم به این نمادها بنگریم. در آیین‌های شرقی، بحثی وجود دارد تحت عنوان هندسه جهان هستی، یا هندسه وجود آدمی. آنها معتقدند که در جهان هستی برخی اشکال هندسی وجود دارد که این اشکال هر کدام می‌توانند انرژی‌ای را منتقل کنند. وجود انسان هم دارای هندسه‌ای است. می‌گویند وجود انسان از هندسه‌های مربع، دایره، مخروط، هرم، مکعب، شش‌وجهی و هشت‌وجهی تشکیل شده است. حال هر کدام از این هندسه‌ها از وجود انسان تهی شود و یا قوت خود را از دست بدهد، ضربه‌ای به روح یا کالبد وجود انسان وارد می‌شود. مثلاً می‌گویند مربع حس امنیت و معناداری به زندگی انسان می‌دهد. یا در مخروط بحث از جذب و دفع‌ها است؛ جذب رزق و روزی، یا اموری از این دست. هرم بحث از اعتماد به نفس و یا تعاملات اجتماعی را مدیریت می‌کند. مکعب بحث از آگاهی است. هر کدام از این اشکال اگر در وجود انسان کمبود داشته باشد، می‌توان در عالم خارج، آن شکل هندسی را یافت و از آن کسب انرژی کرد. مثلاً می‌گفتند در مصر باستان، هرم وجودی افراد لطمه خورده بود و بابت همین بود که اهرام مصر ساخته شد و مردم در کنار آن توانستند هرم وجودی خود را اصلاح کنند. یا شما حالت مکعب کعبه در بیت‌الله‌الحرام را ببینید: آنجا مرکز آگاهی است. یا حالت مخروطی که غار حراء داشت و پیامبر در زیر آن قرار می‌گرفت و نحوه‌ای کسب انرژی می‌کرد. در حالی که شاید غارهای دیگری هم وجود داشت و پیامبر و اجداد ایشان می‌توانستند در آنجا حضور یابند. البته این بحث پردامنه‌ای است و قصد ندارم خیلی به آن وارد شوم، اما برخی از این اشکال هندسی می‌توانند انرژی‌های وجود انسان را هم متعادل تر کند؛ یعنی این حالت‌های علم و کُتَل و اشکال اینچینی را یکباره نادیده نگیریم و یکباره پشت پا به همه آنها نزنیم. شاید در پس همین اشکال و نمادها هم سزای نهفته است. اینها اگر در سنت دینی دیگری هم بوده‌اند، به واسطه آن، برخی انرژی‌ها را می‌توانسته‌اند برای افراد ایجاد کنند. شما به مکان‌های مذهبی که می‌روید هم می‌بینید که آمیخته با انواع این اشکال هندسی است. هر کدام از آنها می‌توانند نور و انرژی‌ای به انسان منتقل کند. وقتی این اشکال در کنار هم قرار می‌گیرد، آنجا منبع انرژی می‌شود. خواسته یا ناخواسته، انرژی‌های انسان را افزون می‌کند. سخنم این است که اینگونه نمادها را به‌صرف یک نماد نبینیم.

همیشه حجم نادانسته‌های انسان بیش از دانسته‌هایش است. در آموزه‌های دینی سخنانی بیان شده و یا رفتارهایی وجود دارد که ممکن است با عقل امروزمان به آن پی نبریم، اما وقتی امری در مآثورات دینی وجود داشته و یا وقتی رفتاری در دین قوام یافته باشد، نمی‌توان به راحتی آن را نادیده گرفت و با عقل امروز به مواجهه با آن رفت.

## بارها از حجاج شنیده‌ام که می‌گویند وقتی سنگ هفتم را به شیطان می‌زنی، انگار گره‌های روحیات یکباره باز می‌شود.

همین سنگ زدن‌ها، ناخواسته بر روی احوال روحی آنها اثر گذاشته است. عرض این است که شناخت زوایای پنهان و حساس روحی، تنها به عهده کسی است که این راه را می‌شناسد. با عقل و منطق شاید نتوان همه این امور را تحلیل کرد. به تعبیر ویتگنشتاین، آنچه نمی‌توان درباره‌اش سخن گفت باید به سکوت از آن گذشت.

**سعید دهقانی:** یعنی شما از این بابت رویکرد نواندیشان دینی را نقد می‌کنید؟

**هادی طباطبایی:** بنده موافق رویکرد نواندیشان دینی هستم. کتاب **تباکی** را نیز از همین رو و همدلانه با جریان نواندیشی دینی نوشتم. شاید چنان امور نامعقول و نامفهوم برگرد دین و مشخصاً عاشورا تنیده شده است که ضرورت دارد نگاه‌ها به سمت عقلانی کردن دین پیش برود، اما به نظرم نباید برخی از این امور که در دین مستحکم شده و شاید قوام یافته را به یکباره از میدان به در کنیم. به عنوان نمونه‌ای دیگر عرض می‌کنم که در ماجرای اشکریزی بر امام حسین، نواندیشان دینی این اشکریزی را محترم داشته‌اند و در مقام تخفیف آن برنیامده‌اند. البته عنوان کرده‌اند که به این اشکریزی‌ها بسنده نشود و به تأمل در واقعه عاشورا و انگیزه و هدف امام حسین توجه شود. این سخن صحیحی است. اما می‌گوییم که این اشکریزی، خودش پاک‌سازی روحی است. باز هم به همین آیین‌های شرقی استناد می‌کنم. در این آیین‌ها هم گاهی در مراقبه‌ها، به برون‌ریزی از طریق اشک تأکید شده است. اساساً راه گشایش‌های روحی، انگار از همین طریق اشکریزی حاصل می‌شود. در قرآن کریم تعبیری داریم که برادران یوسف وقتی به نزد پدر بازگشتند، فضا اینگونه ترسیم شده است: «وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ»؛ یعنی به سمت پدرشان بازگشتند، در حالی که اشک می‌ریختند. مفسران گفته‌اند که در این آیه شرایط توبه و



**سعید دهقانی:** اما برخی نواندیشان دینی هم به این نمادها انتقاد دارند. درست است؟

**هادی طباطبایی:** بله، به این امر واقفم. از این حیث هم معتقدم که نواندیشی دینی نمی‌باید این امور را صرفاً با عقل و استدلال‌های قاصر میزان کند. در پس این اعمال، بعضاً اموری است که به احوالات روحی انسان مدد می‌رساند. ممکن است در چارچوب عقل ما در نیاید. به عنوان مثال عرض می‌کنم؛ الان که این گفتگو را انجام می‌دهیم، در موعد حج قرار داریم و شما با افرادی که اعمال حج را به جا می‌آورند اگر صحبت کنید، گاهی تعجب می‌کنید. مثلاً بارها از حجاج شنیده‌ام که می‌گویند وقتی سنگ هفتم را به شیطان می‌زنی، انگار گره‌های روحیات یکباره باز می‌شود. حالت بشاش بودن به تو دست می‌دهد. شاید افرادی که بیرون از این میدان هستند، این عمل را فقط حرکت سمبلیک بدانند و بگویند به صورت نمادین سنگ‌هایی می‌زنیم تا در طول زندگی هم شیطان را از خود برانیم. اما وقتی با افرادی که این عمل را انجام داده‌اند سخن می‌گویی، می‌بینی که اساساً

بازگشت بیان شده است؛ یعنی اول بازگشت است، دوم پدر، و پدر حقیقی همان خدا است. «عشاء» هم به معنای شب است؛ یعنی شب هنگام اگر توبه صورت بگیرد، اثرات بیشتری دارد. «بیکون» هم به معنای اشک ریزی است؛ یعنی اشک ریزی یکی از شرایط پاک سازی است. البته در این امور گفته شده که نیت افراد بسیار مهم است؛ یعنی اشک به چه نیتی ریخته می شود؛ اگر به نیت حسنه ای باشد، اثراتی جهش گونه دارد و باعث شدت پاک سازی می شود. در این خصوص، خون هم همین گونه است. برخی در ماجرای قربانی کردن هم ایراد می گیرند که چرا خون می ریزید. خون ریختن به تعبیری اثرات چندین برابری دارد؛ یعنی به نحوی کاتالیزور است. اگر به قصد بدی باشد، می تواند اثرات سوء داشته باشد و حتی یک خون می تواند حکومتی را از پا درآورد، و اگر قربانی کردن حیوان به نیت و قصد قربت باشد، این هم اثرات مثبت چندین برابری دارد. از بحث مان دور افتادیم؛ سختم در این است که این امور را یکباره از میدان به در نکنیم. با این بهانه که با عقل و منطق امروزان سازگار نیست، نمی توانیم دست رد به سینه همه آن اعمال و مناسک بزنیم.

**سعید دهقانی:** در سال ۲۰۱۵م سفری به هند داشتم و یکی از عجیب ترین مناسک دینی را دیدم. شمار اندکی از باورمندان به خدای «دورگا» که یکی از الهه های باستانی آن سرزمین است، در مراسمی سوزن از بدن خود رد می کردند و با اشیائی نوک تیز بر پیکر خود زخم می زدند. آن زمان به یاد قمه زنی در ایران افتادم که اکنون بسیار کم است. همچنین در این باره خوانده ام که گروهی از مسیحیان ارتدوکس با اشیائی که ۳۳ سوزن به نشانه سن مسیح در زمان مصلوب شدن داشته، بر تن خود می زده اند. احتمالاً ادیان و مذاهب دیگری نیز در جهان باشند که چنین رفتارهایی از پیروان راست کیش شان سر بزند. با این وجود انگار که چنین مناسکی نه تنها در ایران، بلکه در سایر نقاط جهان در حال کمرنگ شدن است. به نظر من دلیل این کمرنگ شدن جهان گستری اندیشه «اومانیسم» نیست؛ به نظر می آید انسان حتی برای مقاصد الوهی حق آسیب زدن به بدن خود را ندارد. حتی به نظرم تقبیح قمه زنی توسط فقهای شیعه در این زمانه نیز متأثر از همین انسان مداری است. ممکن است از واژه «اومانیسم» خوش شان نیاید، اما به مثابه اخلاق جمعی به فتوای شان جهت داده است. موافقید؟

**هادی طباطبایی:** بیان ماجراهای اینچنینی مقداری با حساسیت همراه شده، و سخت می شود در این خصوص سخن گفت. بحث اومانیسم و انسان محوری البته موضوعی است که نواندیشان ما هم با آن موافقت دارند. یعنی می کوشد آموزه های دینی را به گونه ای ترسیم کنند که به ضدیت با انسان مداری نینجامد. اما بحث دیگری هم در خصوص پرورش روح وجود دارد. شما برای رسیدن به تعالی روح، می باید از همین جسم مدد بگیرید؛ حالا نه اینکه ضربه ای به این جسم وارد کنید، اما به هر حال باید یک سری اسلوب را مراعات کنید. در همین سنت های شرقی، به عنوان نمونه، از یک سری مودراها استفاده می کنند؛ یعنی یک سری حرکت های دست و انگشتان را عاملی در پرورش روحی می دانند. یا حتی برخی ماترا و آواها را دارند، و به واسطه همین اعمال و رفتارها است که روح را پرورش می دهند. در سنت شیعه هم این آداب وجود دارد. چرا باید این آداب را به دید منکرانه نگریم؟

**سعید دهقانی:** به تبایکی بازگردیم. در ایران معاصر دینداران بسیاری درباره فلسفه عاشورا روشنگری کرده اند که بسیاری شان شبیه به هم هستند. به نظر می آید شما تلاش کرده اید که با گردآوری نظراتی متفاوت، خرق عادت کنید و دیدگاه هایی جدید - و شاید بتوان گفت عامه پسند - را در این کتاب بنویسید. آیا هدف تان ملال زدایی از محرم هایی بوده که در سال های گذشته کم رونق شده است؟

**هادی طباطبایی:** فکر می کنم این علاقه به محرم در سرشت انسان ایرانی وجود دارد. هر چند برخی رفتار و گفتارها به نام دین می تواند به دین و آیین ضربه بزند و خیلی ها را دل سرد کند، اما تصور می کنم این علقه به محرم و ائمه شیعه به راحتی از دل مردم ایران زدودنی نباشد. این البته شعار نیست. از اینگونه شعارها گریزانم. اما تاریخ نشان داده که این مهر به ائمه وجود دارد و به راحتی نمی توان آن را از دل عموم مردم زدود. البته هدف بنده همان گونه که عرض کردم این بود که دیدگاه های نواندیشان متأخر را بیان کنم. به نظرم رویکردی که آنها برگزیده اند می تواند به مواجهه ای معقول به ماجرای عاشورا کمک کند. البته مانع از برخی سوء استفاده ها از نام عاشورا هم می شود.